

بانو گودیوا کاونتری همسر حاکم انگلیس زنی خیلی محبوب و محترم بود. وقتی ظلم شوهر و مالیات سنگینی را که باعث بدبختی مردم شده بود، مشاهده کرد، اصرار زیادی کرد به شوهرش که مالیات را کم کند، ولی شوهرش از این کار سرباز می‌زد.

بالاخره شوهرش يك شرط گذاشت، گفت: اگر برهنه دور تا دور شهر بگردی، من مالیات را کم می‌کنم. گودیوا قبول می‌کند.

خبرش در شهر می‌پیچد، گودیوا سوار یک اسب در حالی که همه پوشش بدنش موهای ریخته شده روی سینه‌اش بود، در شهر چرخید، ولی مردم شهر به احترامش آن روز، هیچ کدام از خانه بیرون نیامدند و تمام درها و پنجره‌ها را هم بستند.

در تاریخ انگلیس و کاونتری، بانو گودیوا به عنوان یک زن نجیب و شریف جایگاه بالایی دارد و مجسمه اش در کاونتری ساخته شده است.